



مطالعه تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب

مریم سلمانپور

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب، انجام شد. این پژوهش، کاربردی، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری، کلیه دانش آموزان دختر شاغل به تحصیل در نواحی ۱ و ۲ آموزش و پرورش شهرستان ساری بود که تعداد ۳۷۷ نفر به روش نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه محقق ساخته با ۲۰ گویه بود که روایی صوری و محتوایی آن با نظر متخصصان و صاحب نظران تایید و مقدار پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ محاسبه شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها استفاده از آزمون t تک گروهی بود. یافته ها نشان داد که تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب بیشتر از متوسط است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سواد رسانه ای، گرایش به ارزش های دینی، فرهنگ عفاف، حجاب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دین به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی در تقسیم‌بندی جامعه‌شناسان جایگاه خاصی دارد. جامعه‌شناسان در یک تقسیم‌بندی کلی نهادهای اجتماعی را به پنج دسته، نهاد آموزش، خانواده، دین، سیاست و اقتصاد تقسیم می‌کنند. از آن‌جا که دین یک پدیده گروهی و در یک رابطه متقابل با دیگر نهادهای اجتماعی است، انتظار می‌رود که هم در نهادهای دیگر جامعه تأثیر بگذارد و هم از آن‌ها تأثیر بپذیرد (رضا دوست و همکاران، ۱۳۹۱). ایرانی قرن هاست که با دین، بر اساس دین، با راهنمای دین، به خاطر دین و با مرجعیت آن زندگی کرده است. اهمیت و جایگاه دین در جامعه ایرانی، تنها معطوف به دین اسلام نیست، چرا که در عهد پیش از اسلام نیز ایرانیان نگاه ویژه و ژرفی به دین داشته و دین جایگاه درخوری در حیات آنان داشته است (موسوی و همکاران ۱۳۹۰). احیا و ترویج ارزش‌های اسلامی شرط لازم برای حاکمیت شریعت مقدس اسلام است. دین مبین اسلام برای زندگی انسان‌ها در بعد مادی و معنوی دستوراتی جامع و الگوهایی شایسته و برتر ارائه داده است تا در پرتو بهره‌گیری از آن‌ها بتوانند در مسیر سازندگی و تکامل خویش گام برداشته و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند (رجالی و همکاران، ۱۳۹۱). از سویی، تأثیر دین و مظاهر آن در حفظ و بقاء نظام اجتماعی و نقش آن در تقویت همبستگی بین اعضاء جامعه ایرانی باعث شده است تا بسیاری از جامعه‌شناسان آن را به عنوان موضوع مطالعه‌های خود قرار دهند. یکی از مظاهر و ابعاد که به نوعی می‌توان تبلور دین در افراد به شمار آورد، انجام رفتارهای مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های دینی در بین پیروان یک دین و مذهب است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰). دین در فرآیندی تعاملی با جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود و می‌توان آن را به عنوان بخش مهمی از فرهنگ و از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار و کنش افراد در نظر گرفت. اما بسط و گسترش تجدد، جهانی‌شدن، شهرنشینی، رشد فناوری، عقلانیت و غیره سبب شد تا شیوه تفکر بشر و نگاه او نسبت به خود، دنیا، دین و ارزش‌های مربوط به آن‌ها متحول شود. در این میان، جامعه کنونی ما که از آن به عنوان جامعه‌ای در حال گذار یاد می‌شود و در چالش میان سنت و مدرنیته گرفتار آمده است، تحول و دگرگونی را در همه ابعادش به ویژه در حوزه ارزش‌های دینی تجربه می‌کند. نسل جوان جامعه ما که با افکار و اندیشه‌های دنیای مدرن بیگانه نیست، بیش از هر قشر دیگری در معرض این تلاطم و دگرگونی قرار دارد. به طوری که مشاهده رگه‌هایی از دین‌گریزی در میان جوانان، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵).

عدم گرایش به حجاب مناسب و منطبق با هنجارهای اسلامی، از مهم‌ترین مسائل امروزی جوامع اسلامی است و رعایت موازین اسلامی و پوشش مناسب یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنونی جامعه ما است (مولایی و یوسفوند، ۱۳۹۳). در حقیقت، پدیده بدحجابی یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که نظام جمهوری اسلامی ایران هم اکنون با آن مواجه است و احتمالاً دامنه این مسئله در آینده گسترده‌تر نیز خواهد شد. بنابراین، بی‌توجهی به پیچیدگی مسئله و برخورد ساده‌انگارانه با آن، امکان دارد به نتایج معکوس منجر شود (یعقوبیان و همکاران، ۱۳۹۳). رعایت نکردن حجاب و عفاف بنیان خانواده را که مهم‌ترین هسته اجتماع در تربیت و جامعه‌پذیر کردن نسل بشری است، تهدید می‌کند. روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث رکود فعالیت‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه می‌شود. از همه مهم‌تر، رعایت حجاب و عفت قانون اسلام است و در اسلام، یکی از اصول اساسی زندگی اجتماعی تعریف شده است و رعایت نکردن آن به اعتقادات و باورهای اجتماعی آسیب‌های جدی می‌زند (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۴). حجاب نشانه معرفت است. هر قدر معرفت به ارزش موجودی بیشتر باشد، حجاب حساسیت و منزلت بیشتری خواهد داشت و بیشتر قابل توجه خواهد بود. حجاب نشانه اوج آزادی است و بی‌توجهی به آن نادیده‌انگاری آزادی است (یعقوبیان و همکاران، ۱۳۹۳). حجاب زنان و توجه به حریم عفاف و حراست از آن، از اصیل‌ترین سنگر زنان و از سودمندترین و عمیق‌ترین قانون الزامی آفرینش برای آنان و جامعه است. به عبارت دیگر، حجاب سنگر سعادت و رستگاری زنان و جامعه است، اگر آن فرو ریزد، عوامل پاک‌زیستی و شرافت فرو ریخته و موجب آلودگی خود و جامعه خواهد شد (علوی و حجتی، ۱۳۸۶). حجاب و عفاف پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی به عنوان بسترساز تحقق امنیت

فردی و اجتماعی بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیز نیازمند آموزش های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است. بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و الگوپذیری از آن برای سالم سازی محیط اجتماعی، نیازمند نهادینه شدن آن نزد یکایک اعضای جامعه است (فلاح صفری و طالبی، ۱۳۹۲). از طرفی، حجاب و پوشش زن عامل مهم در حفظ اخلاق و راهی برای رسیدن به سلامت روان است. بی حجابی می تواند نظام خانواده را متزلزل کند و سلامت روان، نشاط و آرامش اعضای آن را به خطر اندازد. به همین سبب، مسئله حجاب، دغدغه بسیاری از مسئولان سیاسی، اجتماعی و دینی است و موجب جریحه دار شدن وجدان جمعی بسیاری از اقشار اجتماعی شده است (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۱). در این میان، پدیده حجاب و پوشش از سه منظر دینی، هویتی و سیاسی قابل بررسی است. زیرا، از سویی دستور صریح دین مبین اسلام و از سوی دیگر، نماد فرهنگ و هویت ایرانی است. با این وصف، بی توجهی خانواده نسبت به گسترش مظاهر و نمودهای فساد و بدحجابی در بین فرزندان، عدم رعایت ارزش ها و اصول اخلاقی متداول در جامعه یا خانواده، حساسیت و تاثیرپذیری شدید به رفتار توهین آمیز اطرافیان و کوشش دائمی برای جذاب و مقبول بودن؛ سریال و فیلم ها، پیام های بازرگانی، سینما و بازیگران همراه با ورود کالاهای مصرفی لوکس و غیرضروری، مشکلات مربوط به اشتغال بانوان و بیکاری مردان به شهرها، قابل توجه است (یعقوبیان و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به تأکید قرآن و احادیث بر عفت در پوشش و مسلمان بودن اکثریت و باور و فرهنگ حجاب اسلامی حاکم بر جامعه ایران، متأسفانه شاهد رشد پدیده بدحجابی هستیم به گونه ای که به صورت مشکل جدی مطرح است. از سویی، پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی دین معتقدند که دینداری در جامعه کنونی ایران و در میان جوانان با تغییراتی در اندیشه و عملکرد مواجه است. پدیده‌هایی هم‌چون ورود ابزار و وسایل ارتباط جمعی و شبکه های اجتماعی مجازی، ارزش ها و روابط سنتی را مورد پرسش قرار داده و تغییراتی را در دینداری نسل جدید به وجود آورده اند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵). از آن جا که دانش آموزان دختر، دست کم مادران فردای جامعه هستند، مطالعه نگرش های آن ها در عرصه های مختلف به خصوص به لحاظ دینداری، جهت گیری مذهبی و فرهنگ عفاف و حجاب می تواند از وضعیت آتی جامعه به خصوص نگرش مدیران، کارشناسان و کارگزاران فردای جامعه ایران دورنمایی ترسیم کند. امروزه، جوانان ایرانی از یک طرف تحت تأثیر فرهنگ دینی جامعه خود هستند - فرهنگی که نزد خانواده ها و اجتماعات محلی محترم است- و از طرفی دیگر متأثر از نهادهای آموزشی رسانه های جمعی (داخلی و خارجی) و عناصر ساختی دنیای مدرن هستند (سراج زاده، ۱۳۸۵). از جمله عوامل مرتبط با نگرش افراد، چگونگی اجتماعی شدن و روند جامعه پذیر شدن آن ها است. در میان عوامل جامعه‌پذیری، نوع خانواده و تجربه ای که فرد در خانواده کسب می‌کند و نیز گروه هم‌سالان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، لذا سه عامل سرمایه فرهنگی خانواده، نحوه فرزند پروری و نوع تجربه گذشته شخص درباره حجاب با نگرش او نسبت به حجاب از اهمیت خاصی برخوردار است (رجالی و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش کربلایی پازوکی و خوانین‌زاده (۱۳۹۳) نشان داد که ضعف اعتقادی، عدم پایبندی به انجام عبادات، نظام خانوادگی، کسب زیبایی، جامعه و رسانه از جمله عوامل مهم در عدم رعایت عفت در پوشش دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی است. در پژوهش دیگر، یعقوبیان و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که ۴ عامل موثر با بیشترین میزان در گرایش به بدحجابی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب مدیریت، جلب توجه دیگران، انتخاب دوست و اعتقادات دینی بیان شد. دانشجویان، سایر علل موثر بر گرایش به بدحجابی را مواردی مانند فقر فرهنگی، عدم نظارت خانواده‌ها و لجبازی به خاطر سختگیری بیش از حد دانشگاه بیان کردند. در پاسخ به راه‌کارهای پیشنهادی، مواردی مانند صحبت در مورد شخصیت ارزشمند زن و بیان نقش زن در کانون خانواده، بیان مضرات بدحجابی و به وجود آمدن فساد و فحشا به دنبال بی‌حجابی زنان و تعیین مدهای لباس و فرم خاصی برای دانشگاه‌ها مطرح شد. در پژوهش رجالی و همکاران (۱۳۹۱)، یافته ها بیانگر گرایش به معنویت و ارزش های دینی در بین کلیه دانشجویان بود و این گرایش فرصت خوبی را برای مسؤولین فرهنگی دانشگاه فراهم می کند که از آن به خوبی و به طور صحیح در جهت ارتقای ارزش های اسلامی

در بین دانشجویان بهره برداری نمایند. از آنجایی که رعایت حجاب از نحوه نگرش افراد ناشی می‌شود، لذا شناخت نگرش دانشجویان نسبت به پوشش اسلامی و عوامل مرتبط، در شکل‌گیری آن ضروری می‌باشد. همان طور که ملاحظه می‌شود، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در خصوص عفاف و حجاب با محوریت دختران دانشجو و در محیط دانشگاه‌ها، انجام شده است و در جامعه دانش‌آموزی به نسبت اندازه جامعه آماری (دختران دانش‌آموز)، کمتر پژوهشی وجود دارد که به موضوع مورد مطالعه در این پژوهش پرداخته است که اهمیت و ضرورت مطالعه حاضر را تبیین می‌نماید. بنابراین، با توجه به بالا بودن میزان جمعیت جوان و به خصوص دانش‌آموزان و توجه به این نکته که مدیران و اداره‌کنندگان فردای جامعه، دانش‌آموزان هستند و به دلیل حضور چشمگیر زنان در عرصه‌های علمی کشور و با توجه به هم‌رأیی جامعه‌شناسان بر دیندار بودن بیشتر زنان نسبت به مردان و نقش مهمی که آن‌ها در آینده علمی کشور ایفاء خواهند کرد، مطالعه و بررسی نگرش‌ها، روحیات و اعتقادات آن‌ها در عرصه‌های گوناگون به ویژه از بعد دینداری به شناخت دقیق‌تری از دغدغه‌های دانش‌آموزان دختر منجر خواهد شد. با عنایت به موارد مطرح شده، از آنجا که حفظ ارزش‌ها و شعائر اسلامی از وظایف مسلم همه نهادها می‌باشد و رعایت پوشش اسلامی توسط دانش‌آموزان از مصادیق بارز آن به شمار می‌آید. هرگونه برنامه‌ریزی برای اصلاح و تحول فرهنگی مستلزم شناخت عمیق و دقیق مسأله و جوانب آن است و وجود پدیده بی‌حجابی نیز نیازمند بررسی دقیق و کاوش در ابعاد آن می‌باشد. بر این اساس، این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سوال است که آیا سبک زندگی و سواد رسانه‌ای بر گرایش دانش‌آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش‌های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب موثر است؟

روش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی و از نظر روش، پیمایشی (زمینه‌یابی) است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر شاغل به تحصیل در مدارس متوسطه دوم نواحی ۱ و ۲ آموزش و پرورش شهرستان ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۲۰۰۰ است که به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس، تعداد ۳۷۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس برای انتخاب اعضای نمونه، وجود میل، رغبت و انگیزه در پاسخگویان برای شرکت داوطلبانه و ارائه پاسخ صادقانه به سوالات، در جهت دستیابی به نتایج درست و قابل اعتماد است که در غیراین صورت و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی ساده، سیستماتیک، طبقه‌ای و خوشه‌ای) ممکن است افراد منتخب از پاسخگویی به سوالات امتناع ورزیده و یا نظرات واقعی خود را ابراز ننمایند. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز در خصوص متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، از پرسشنامه بسته پاسخ استفاده شد. پژوهشگران این پرسشنامه (محقق ساخته) را در قالب ۲۰ گویه طراحی نمودند که در آن، از طیف نگرش سنج لیکرت در مقیاس فاصله‌ای استفاده شد و پاسخگو با انتخاب گزینه خیلی زیاد، ۵ امتیاز؛ زیاد، ۴ امتیاز؛ تاحدودی، ۳ امتیاز؛ کم، ۲ امتیاز و خیلی کم، ۱ امتیاز کسب می‌نمود. از این رو، عدد ۳ به عنوان نقطه برش (میانگین نظری) در نظر گرفته شد. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه با نظر ۷ تن از استادان عضو هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مازندران مورد تایید قرار گرفت. مقدار پایایی پرسشنامه (کل) نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t تک گروهی با نرم افزار SPSS23 و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) استفاده شد. نخست، آزمون معتبر کولموگروف-اسمیرنوف، جهت تشخیص نرمال بودن متغیرهای پژوهش اجرا و مشخص گردید متغیرها از یک توزیع نرمال تبعیت می‌کنند.

یافته‌ها

جدول ۱، تجزیه و تحلیل توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

| متغیر | تعداد | کمینه | بیشینه | میانگین نظری | میانگین نمونه | انحراف استاندارد |
|---------------|-------|-------|--------|--------------|---------------|------------------|
| سبک زندگی | ۳۷۷ | ۱ | ۵ | ۳ | ۴/۳۹ | ۰/۵۸ |
| سواد رسانه ای | ۳۷۷ | ۱ | ۵ | ۳ | ۴/۳۱ | ۰/۸۱ |

جدول ۱، نشان داد که میانگین تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب به ترتیب ۴/۳۹ و ۴/۳۱ است که بیشتر از متوسط (نقطه برش: ۳) می باشد. جهت مطالعه تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب از آزمون t تک گروهی استفاده شد. نتایج در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲: آزمون t تک گروهی؛ تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب

| متغیر | تعداد | میانگین نمونه | | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---------------|-------|---------------|--------|------------|--------------|
| | | t | بحرانی | | |
| سبک زندگی | ۳۷۷ | ۴/۳۹ | ۴۶/۳۱ | ۳۷۶ | ۰/۰۰۰ |
| سواد رسانه ای | ۳۷۷ | ۴/۳۱ | ۳۱/۵۱ | ۳۷۶ | ۰/۰۰۰ |

یافته‌های جدول ۲ نشان داد که سطح معناداری ($Sig.=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($\alpha=0/05$) کوچک‌تر است. لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان قضاوت نمود که فرضیه پژوهش (H_1) تایید می‌گردد؛ یعنی بین میانگین نمونه با میانگین نظری (مقدار متوسط در نظر گرفته شده در این پژوهش: ۳) تفاوت آماری معناداری وجود دارد و چون میانگین نمونه از میانگین نظری بیشتر است، پس تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب بیشتر از متوسط است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب، انجام شد. یافته‌ها نشان داد که سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب تاثیر دارد. به طوری که تاثیر سبک زندگی و سواد رسانه ای بر گرایش دانش آموزان دختر شهرستان ساری به ارزش های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب بیشتر از متوسط است. نتیجه حاصله با پژوهش‌های حضرتی صومعه (۱۳۹۵)، کربلایی پازوکی و خوانین‌زاده (۱۳۹۳)، یعقوبیان و همکاران (۱۳۹۳) و رجالی و همکاران (۱۳۹۱)، همسو است. در تبیین نتایج به دست آمده، در زمینه نقش رسانه‌ها در دگرگونی ارزش‌های فردی و اجتماعی جوامع، می‌توان به یکی از پارادایم‌های مسلط در حوزه ارتباطات و توسعه در دهه‌های ۶۰ تا ۷۰ میلادی اشاره کرد که به رسانه‌ها به عنوان موتور دگرگونی و تغییر ارزش‌های جوامع سنتی و ورود به جامعه مدرن تأکید می‌شود. بر اساس این نظریه، رسانه به انتشار یا اشاعه‌ی نظام ارزشی کمک می‌کند که خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف است. به عبارت دیگر، ورود به جامعه‌ی مدرن و جدید مستلزم مساعدت ملی یکپارچه، ارتباط با بازارهای ملی و بین‌المللی، ایجاد انگیزه برای تقاضای کالاها و خدمات مدرن، بحران کسب منابع توسعه و گسترش روش‌ها و ارزش‌های نوین در زمینه‌هایی چون تغذیه، تنظیم خانواده، بهداشت، تولید کشاورزی و صنعتی در زندگی شهری و روستایی است. برای تحقق این هدف، تحرک روانی در سطح فردی و اجتماعی ضروری

است و رسانه‌ها مناسب‌ترین و مؤثرترین ابزار تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها و به‌یابان دیگر ایجاد تحرک فردی و اجتماعی هستند. با این حال، گسترش کتب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، ویدئو، شبکه‌های اطلاع‌رسانی و غیره می‌توانند باعث تحکیم وحدت نمادی شوند و همین رسانه‌ها به همراه ماهواره‌هایی که پخش برنامه‌های تلویزیونی کشورهای مختلف را بر عهده دارند، می‌توانند اسباب تضعیف وحدت نمادی جامعه را فراهم کنند. با گسترش ارتباطات از راه دور و از بین رفتن فواصل زمانی و مکانی، غلظت نمادی و اطلاعاتی محیط‌های کنونی به طور غیر قابل وصفی افزایش یافته است. به عبارت ساده‌تر، شهروندان جوامع معاصر به ویژه جوامع پیرامون نه تنها در معرض مستقیم سمبولیسم شناختی و سمبولیسم اظهاری بیگانه قرار گرفته‌اند، بلکه در معرض بمباران نمادی آن‌ها نیز هستند. در حقیقت، اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها شده است؛ به طوری که در عصر کنونی، جهانی‌شدن ارتباطات بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر گذاشته است. لباس‌های متحدالشکل جوانان، موسیقی‌های با سبک‌های مختلف از نمودهای تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و عدم پایداری به سنت‌های خود است. کارکردهای رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های شنیداری و غیر متعامل به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به‌تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده‌اند فضای انفرادی، به‌جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود، به طوری که گسترش تکنیکی رسانه‌های شنیداری و رایانه‌ای، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، این ابزارها، به تدریج فضای روانی و محیطی گفت و گو را در یک ارتباط بین فردی، خدشه‌دار می‌کنند و اعضای گروه را به جای هم‌گرایی، به واگرایی سوق می‌دهند؛ تا جایی که همه اعضای خانواده صرفاً در یک فضای فیزیکی مشترک زندگی کرده، اما هیچ تعاملی با هم نخواهند داشت. رسانه‌های جدید موجب شده‌اند تا فرد اوقات فراغت خود را بیشتر در تنهایی بگذراند که این مسئله باعث شده تا وی در اوقات فراغت خود با جمع‌هایی نامجاور ارتباط داشته باشد. همین مسئله در خیلی از موارد تنش‌زاست چرا که وقتی این اوقات را با افرادی که آن‌ها را نمی‌شناسند می‌گذرانند، این امر می‌تواند سبک زندگی وی را مسئله‌دار نماید. در واقع رسانه‌ها به افراد برای پر کردن اوقات فراغتشان انتخاب‌هایی بیشتر داده‌اند اما به همان میزان هم فردیت آن‌ها را تقویت کرده و موجب تضعیف و تحلیل رفتن سبک زندگی بومی شده‌اند. پیشنهاد می‌شود برای افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در سایر رده‌های سنی (متوسطه اول و ابتدایی) و در سایر استان‌ها و حتی به صورت کشوری انجام شود. از آنجایی که در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری به شکل غیر تصادفی در دسترس بود، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده از سایر شیوه‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. هم‌چنین، پژوهش مشابهی در بین اساتید دانشگاه، معلمان و مدیران مدارس مقاطع مختلف تحصیلی انجام و نتایج آنان با نتایج این پژوهش مقایسه گردد. نظر به این که فرد در یک سپهر رسانه‌ای به سر برده و تحت نفوذ امواج مختلف رسانه‌ها قرار دارد دغدغه آسیب‌رسانی شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و آسیب‌پذیری خانواده‌ها و دنبال کردن راهی برای کاهش اثرات مخرب رسانه‌ها به‌ویژه برای مخاطبان جوانان که بیشترین مصرف‌کننده شبکه اجتماعی هستند همواره مورد توجه بوده است. یکی از راه‌های کاهش اثرات مخرب رسانه‌ها، آموزش سواد رسانه‌ای و تقویت آن است. در این دوران که هر پیامی سعی در القاء سبک‌های زندگی متناسب با خود را دارد، فرزندان نیازمند سواد رسانه‌ای هستند تا قادر باشند سبک زندگی القاء شده در هر پیام را شناسایی کنند. اگر مخاطب امروز نتواند این حرکت پرشتاب و فن‌آورانه رسانه‌ای را مهار کند در آینده ناچار می‌شود که در مقایسه با امروز با تغییراتی دردسر آورتر دست و پنجه نرم کند. در هنگام ورود به دهکده جهانی افراد به سواد جدید به نام سواد رسانه‌ای نیازمندند تا بتوانند موجبات حفظ سبک زندگی و هویت فردی و جمعی خود را فراهم نمایند چرا که امروزه عقاید، فناوری، کالاها و خدمات بیش از هر زمانی دیگر آزادانه در حال عبور از مرزها هستند و مرزهای سیاسی دیگر در نقش مرزهای جداکننده ملت‌ها، عمل نمی‌کنند و با وجود چنین شرایطی حفظ راه و روش زندگی خاص ملی به شکلی فزاینده دشوارتر شده است. دلیل اصلی این است که یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی در

حال افزایش است لذا ضرورت پرداختن به سواد رسانه ای جهت مواجهه با رسانه های جمعی می تواند به توسعه و حفظ سبک زندگی هویتی کمک کند.

منابع

- حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۵). میزان دینداری زنان دانشجو و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۹ (۷۳)، ۱۵۱-۱۲۵.
- خوش فر، غلامرضا؛ باقری، فاطمه؛ برزگر، سمیه و نورمحمدی، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راه کارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان). *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۳ (۴)، ۷۳-۴۷.
- رجالی، مهتری؛ مستأجران، مهناز و لطفی، مهران. (۱۳۹۱). نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۸ (۳)، ۴۳۰-۴۲۴.
- رضادوست، کریم؛ حسین زاده، علی حسین و مصطفایی دولت آباد، حلیمه. (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناسی برخی از عوامل مؤثر بر میزان دینداری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳ (۱۰)، ۳۸-۱.
- سراج زاده، سیدحسین. (۱۳۸۵). *چالش های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه شناختی در دینداری و سکولار شدن*. تهران: نشر طرح نو.
- شارع پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب و محمدی، مهدی. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران). *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵ (۳)، ۲۹-۱.
- علوی، سید حمید رضا و حجتی، رضیه. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، ۲ (۴)، ۶۳-۸۸.
- فلاح صفری، محمد و طالبی، فاطمه. (۱۳۹۲). تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی با رویکرد شناسایی عوامل برانگیزاننده و موانع بازدارنده آن. *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی قزوین*، ۲ (۶)، ۲۰۶-۱۹۵.
- کربلائی پازوکی، علی و خوانین زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). آسیب شناسی مسأله عفاف و حجاب در بین دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۵ (۱۸)، ۱۸۳-۱۵۹.
- موسوی، زهرا؛ موسوی، رفیع و حیدری، حسین. (۱۳۹۰). بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش آموزان شهر زنجان). *فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان*، ۱ (۱)، ۱۷۳-۱۴۹.
- مولایی، جابر و یوسف وند، شهلا. (۱۳۹۳). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان). *فصلنامه زن و جامعه*، ۵ (۱۹)، ۴۶-۳۵.
- ناصری، میلاد؛ کاوه، فرزانه و ربانی، علی. (۱۳۹۵). مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، ۲۷ (۴)، ۹۸-۷۹.
- یعقوبیان، ناهید؛ باکوئی، فاطمه و قنبری، محسن. (۱۳۹۳). علل گرایش به بدحجابی از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی بابل. *فصلنامه اسلام و سلامت*، ۱ (۳)، ۱۷-۲۲.